

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

حضرت زهرا علیها السلام الگوی کمال انسانی (۱)

ایام حزن و اندوه شهادت بی‌بی دو عالم، سیده‌ی نساء عالمین و سیده‌ی نساء اهل الجنّة، صدیقه‌ی کبری، فاطمه‌ی زهرا صلوات‌الله‌علیها است. در این ایام، قلب امام عصر ارواحنا فداه و همه‌ی دوستداران فضیلت و اهل ولایت مجروح است. دیروز، بنا به یک قول، که شاید اقوی الأقوال هم باشد؛ روز شهادت صدیقه‌ی طاهره صلوات‌الله‌علیها بود. بنابراین مجلس امروزمان را به عنوان مجلس ترحیم و یادبود آن بزرگوار تلقی می‌کنیم. نمی‌دانم هنگامی که تشریف آوردید، هنگام ورود به مجلس، صاحبان مجلس را دیدید یا خیر؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام، زینبین و حسنین علیهم‌السلام و امام عصر ارواحنا فداه، سیاه‌پوش بر در مجلس ایستاده بودند و میهمان‌ها را پذیرا می‌شدند و به آنها خیرمقدم می‌گفتند. این مصیبت عظمی^۱ را به محضر آن بزرگواران و به محضر همه‌ی دوستداران فاطمه‌ی زهرا صلوات‌الله‌علیها، خصوصاً عزیزانی که در محضرشان هستیم؛ تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم خدای متعال با صدور امر فرج و ظهور مولا و آقای ما، سید و سالار ما، حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه، فرزند بزرگوار فاطمه، و امر به گرفتن انتقام خون به ناحق ریخته‌ی فاطمه‌ی زهرا صلوات‌الله‌علیها و فرزندان معصومش، بر جراحت قلب امام عصر ارواحنا فداه و همه‌ی شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام مرهم بگذارد؛ ان‌شاءالله.

دریغ آمد در چنین روزی به بحثی غیر از سخن گفتن در مورد صدیقه‌ی کبری، فاطمه‌ی زهرا صلوات‌الله‌علیها بپردازم. خدا توفیق داده است، سالیان متمادی در رابطه با ابعاد گوناگون شخصیت این بانوی بزرگوار سخن گفته‌ایم، منتهی^۱ هر چه هم سخن گفتن از سجایا و کمالات فاطمه‌ی زهرا

صلوات‌الله‌علیها تکرار شود؛ سازندگی دارد. چون نور است و نور علی^۱ نور می‌شود. بنابراین گرچه شاید در مورد بعضی از نکاتی که امروز خدمتتان عرض می‌کنم؛ در سال‌های گذشته هم تحت عناوین دیگری سخن گفته‌ایم؛ ولی توجه مجدد، سبب درس‌آموزی‌های عمیق‌تر می‌شود؛ ان‌شاء‌الله.

زن در فرهنگ غربی

فرهنگی که بر جهان به اصطلاح پیشرفته و متمدن دنیای امروز حاکم است و دنیای غرب به نیروی ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی در صدد است آن را به فرهنگی جهانی تبدیل کند و به تعبیر متفکران عرصه‌ی دانش ارتباطات، از دنیا دهکده‌ای بسازد که آن فرهنگ، فرهنگ همه‌ی دهکده‌ی جهانی شود؛ این فرهنگ که جنبه‌ی تهاجمی دارد و در صدد است همه‌ی فرهنگ‌های دیگر را از پا در آورد و خود بر جوامع بشری مسلط شود؛ یکی از شعارهای اصلی که برای این تهاجم اختیار کرده، شعار دفاع از زن است. از چند سده‌ی اخیر به این سوی، این شعار بارها به گونه‌های مختلف تکرار شده و مایه‌ی پیشروی فرهنگ غربی در دنیا گردیده‌است. یک روز سخن از تساوی حقوق زن و مرد گفتند و با این شعار پیش آمدند. روز دیگر سخن از آزادی زن گفتند و این شعار را ابزار پیشروی خود قرار دادند و در دهه‌های اخیر، بحث فمینیسم و زن‌سالاری مطرح کردند و شعارهای فمینیستی را ابزار پیشروی فرهنگ غرب قرار دادند. دنیای غرب گرچه مدعی دفاع از زن است؛ اما عملکردش در رابطه با زن، چیزی است که صد و هشتاد درجه با شعاری که می‌دهد متفاوت است! در فرهنگ غربی، در دنیای امروز زن نه تنها به رفعت مقام نائل نشده؛ نه تنها حقوقی برای زن حاصل نشده؛ نه تنها آزادی به معنای یک ارزش مقدس و والا برای زن تأمین نشده؛ بلکه زن در فرهنگ غربی دنیای امروز، به ابزار بی‌ارزشی در حدّ یک شیء بی‌جان که فقط برای لذت‌جویی‌های مردان هوس‌باز به کار می‌آید؛ تبدیل شده‌است. این ادعای گزافی نیست. اگر کسی از پنجره‌ای که به روی فرهنگ غربی گشوده است نیم‌نگاهی بیاندازد، سخن بنده را تأیید می‌کند. فضای اینترنت و دنیای مجازی پنجره‌ای به سوی فرهنگ غرب است و اگر انسان از این پنجره نگاه کند، جایگاه و سیمای زن را در فرهنگ غربی و در دنیای به اصطلاح پیشرفته و متمدن غربی می‌بیند. وجود هزاران سایت و پایگاه‌های اینترنتی پورنو و

سرشار از فساد و آلودگی، تصویر زن را، علی‌رغم همه‌ی شعارهای فریبنده، در واقعیت دنیای غرب نشان می‌دهد و آنجاست که انسان می‌بیند جنایتی که دنیای امروز و فرهنگ مدعی دفاع از زن، نسبت به زن کرده، در طول تاریخ بی‌سابقه است!

گرچه در ادواری از تاریخ، زن به شدت مورد ستم بوده و حقوق او تضییع شده؛ اما لااقل شعار تضییع‌کنندگان حقوق و ستمگران بر زن، شعار دفاع از زن نبوده است. شعار دفاع از حقوق و آزادی‌های زن نبوده است. شعار به مقام و منصب سالاری و سروری نشاندن زن نبوده است! اگر هم ستم می‌کردند؛ شعار متضاد آن نمی‌دادند. اما دنیای امروز چنین جنایت عظیمی را با شعارهای فریبنده‌ای نسبت به زن مرتکب شده است. فرهنگ و تمدن دنیای غرب به این خاطر به سراغ زن نیامد که دلش به حال زن سوخته بود! اگر به تاریخ طرح شدن شعارهای آزادی و تساوی حقوق زن و مرد مراجعه کنید؛ به خوبی متوجه می‌شوید که اصلاً از روز نخست صداقتی در این شعارها نبود. در دورانی که ماشینیسیم به عرصه‌ی زندگانی انسان آمد و بشر به تکنولوژی‌هایی دست یافت که به او اجازه می‌داد تولیدات انبوه صنعتی داشته باشد؛ در پی صنعتی شدن دنیای غرب، طبیعتاً مجتمع‌های بزرگ صنعتی به وجود آمد. شهرهای بزرگ صنعتی به وجود آمد. هنوز هم در دنیای غرب شهرهای صنعتی را می‌بینید و در شرق هم با الگو گرفتن از غرب، شهرهای صنعتی ساخته می‌شود. وقتی شهرهای صنعتی در اروپا و بعداً در آمریکا ساخته شد؛ مجتمع‌های عظیم صنعتی جمع‌های بزرگ کارگری را در پی آورد. سرمایه‌دار و کارخانه‌دار که در پی سود شخصی خویش بود؛ به نفع خود می‌دید که کار بیشتری از کارگران بگیرد و مزد کمتری به آنها بپردازد. امکانات رفاهی و بهداشتی کمتری برای آنها تهیه کند و تا می‌تواند از آنها کار بکشد تا سود بیشتری به جیب بزند. این منطق سرمایه‌داری در دنیای غرب بود. محیط‌های کار آلوده و غیر بهداشتی و پرخطر، ساعت‌های کار بسیار طولانی و شرایط مشقت‌بار کار در کارخانجات عظیم صنعتی و مزدهای ناچیز، کارگران را به ستوه آورد. کارگرانی که مورد ظلم قرار گرفتند؛ در شهرهای صنعتی، یکدیگر را دیدند که چه جمع عظیمی هستند و به نیروی خود واقف شدند و تصمیم گرفتند با استفاده از نیروی خود، حقشان را از سرمایه‌داران و صاحبان

کارخانجات بگیرند. اینجا بود که سندیکاها و تشکلهای کارگری به وجود آمدند و این تشکلهای با استفاده از قدرت پیروان خود، شروع به فشار آوردن و طرح مطالبات در برابر صاحبان ثروت و سرمایه کردند و اگر برای این که حقوق مناسبتری دریافت کنند، ساعات کارشان کمتر شود و شرایط بهداشتی و امنی در محیط کارگاه حاصل شود، پاسخ مثبت دریافت نمی‌کردند؛ دست به اعتصاب می‌زدند و کارخانجات را فلج می‌کردند. اینجا بود که سرمایه‌داران به فکر افتادند خود را از این معضل نجات دهند. با متفکران و دانشمندان علوم اجتماعی به شور نشستند تا راهی برای نجات از این مبارزات سندیکالیستی پیدا کنند. راهکاری که متفکران اجتماعی به آنها پیشنهاد کردند این بود که سعی کنید از نیروی کاری استفاده نمایید که قدرت فشار آوردن به شما را نداشته باشد تا بتوانید سخت‌ترین شرایط کارگاهی را به او تحمیل کنید، بیشترین ساعات کار را از او کار بکشید و کمترین مزد را به او بپردازید. این نیروی کار کجا بود؟ این نیروی کار، زنهای خانه‌دار و کودکان کم سن و سال بودند. لذا سرمایه‌داران یکبارہ هجوم می‌آوردند تا زنهای خانه‌دار را از خانه بیرون بکشند و آنها را به کارگران بی‌ادعای مجتمع‌های صنعتی خود تبدیل کنند. زنی که پایبند به خانواده است؛ زنی که خود را در به ایفای نقش مادری متعهد می‌بیند؛ خود را در به ایفای نقش همسری متعهد می‌بیند، حاضر نیست به سادگی محیط خانه را ترک کند و تبدیل به کارگری در مجتمع‌های صنعتی شود! اینجاست که باید شعارهای فریبنده‌ای داد تا زن فریب بخورد؛ خانه را ترک کند؛ نقش همسری و مادری را نقش منحطی ببیند و از این که فقط یک مادر و همسر است؛ شرمنده باشد و برای این که در جامعه صاحب منزلتی شود؛ کارگر مجتمع‌های صنعتی شود تا درآمدی برای خود داشته باشد و به گمان خویش شأن اجتماعی کسب کرده باشد. اینجا بود که شعارهای تساوی حقوق زن و مرد و آزادی زن مطرح شد. بنابراین از روز اول، پشت این شعارها نیت صادقانه‌ای وجود نداشت؛ قصد بهره‌کشی از زن بود تا او را به کارگری تبدیل کنند که قدرت مبارزه ندارد؛ قدرت اعتصاب کردن ندارد. سخت‌ترین شرایط را به او تحمیل کنند؛ بیشترین کار را از او بکشند؛ کمترین حقوق را به او بپردازند؛ بدون این که او کوچک‌ترین اعتراضی کند و فشاری به سرمایه‌داران وارد آورد. از آغاز این نیت پشت آن شعارها بود!

بعد نیت ثانویه‌ای هم به نیت اولیه اضافه شد و آن این بود که مردهای هوس‌باز زن‌هایی را که از نقش زن پاکدامن و عقیف خارج شده و تبدیل به کارگری شده بودند که به راحتی در بین مردان غریبه که در کارگاه کار می‌کردند؛ آمد و شد و با آنها خوش و بش می‌کردند؛ به ابزاری برای هوس‌بازی‌های خود تبدیل کنند. از این به بعد است که مُدهای گوناگون پی‌درپی به بازار می‌آید و از این رهگذر، ضمن فراهم ساختن بازار فروش کالاهای سرمایه‌داران، تلاش می‌شود زن را هر روز بیشتر، از جامه‌ی عفت و پاکدامنی بیرون آورند. این گونه فرهنگ برهنگی و عریانی، فرهنگ رایج در دنیای غرب می‌شود و این گونه حجاب، عفاف، پاکدامنی و شرم و حیا، جای خود را به برهنگی و بی‌حیایی و فساد و فحشا و آلودگی می‌دهد. امروز هم نتایج این روند را، چه در سفر به سرزمین‌های غربی و چه در نگاه به پنجره‌ی دنیای غرب، که فضای مجازی و اینترنت است، می‌توان دید. این فاجعه‌ای بود که در دنیای غرب برای زن رخ داد و دنیای غرب، برای جهانگیر شدن، آن فرهنگ را ترویج کرد. امروز اگر صحبت از سبک زندگی آمریکایی می‌شود و این سبک توسط رسانه‌های مختلف و ابزارهای گوناگونی که دنیای غرب در اختیار دارد ترویج می‌شود و آمریکا می‌خواهد همه‌ی مردم دنیا به سبک امریکایی زندگی کنند؛ سبک زندگی آمریکایی یعنی همین! یعنی نابودی نهادی به نام خانواده، بر باد رفتن بنیان عفاف، اخلاق، پاکدامنی و فضیلت در زندگی انسان‌ها و سقوط از حیات انسانی به زندگی طبیعی و حیوانی. این جایگاه امروز زن در دنیای غرب است؛ با همه‌ی شعارهای فریبنده و جذّابی که به نفع زن می‌دهند. شعار به تنهایی فاقد ارزش است. آنچه مهم است کارکرد و عملکرد واقعی است؛ شعارها جز واژه‌هایی نیستند که به زبان جاری می‌شوند یا بر روی کاغذ نوشته می‌شوند. آنچه در واقعیت اتفاق افتاده، قربانی شدن زن، از بین رفتن و نابود شدن ارزش‌های انسانی زن و تباه شدن منزلت و جایگاه والای زن است.

فرهنگ فمینیستی و مدعی دفاع از زن، هجوم‌های ناجوانمردانه‌ای به فرهنگ اسلامی دارد؛ فمینیست‌ها به دین اسلام و به احکام اسلامی نقدهایی می‌کنند. اسلام را متهم می‌کنند که دین مردسالاری است، حقوق زن را تزییع کرده است و با منزلت و جایگاه برابر برای زن در برابر مرد

مخالف است. شبهات و ایرادات و اشکالاتی که مطرح می‌کنند مفصل است و طرح و پاسخگویی به آنها بحث جداگانه‌ای است که جلسات متعددی را می‌طلبد که یک به یک اشکالاتی که آنها به اسلام می‌گیرند را مطرح شود، تجزیه و تحلیل گردد و پاسخ آنها را روشن شود. امروز ما در مقام چنین بحثی نیستیم. خدا توفیق داده، بعضی از این اشکالات را در کتاب «حجاب و حقوق زن» در فصل آخر کتاب ذکر کرده‌ام و یک به یک به آنها پاسخ گفته‌ام. اگر عزیزان به این بحث علاقمندند و تا به حال آن کتاب را مطالعه نکرده‌اند، تأکید می‌کنم که مطالعه کنند. گرچه همه‌ی اشکالات در آن نیست؛ اما برخی از آنها هست. در لوح فشرده‌ای هم که همین اواخر تحت عنوان «زن و خانواده» در اختیار عزیزان قرار گرفت، بعضی از فایل‌های صوتی در رابطه با همین موضوع وجود دارد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ